

نقش تنگناهای ژئوپلیتیکی در راهبرد جنگ طلبانه‌ی عراق

چمران بویه ^۱	تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۷/۲۹
مراد کاویانی‌راد ^۲	تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۰/۰۸/۳۰
رضا جنیدی ^۳	صفحات مقاله: ۱۹۴ - ۱۶۱

چکیده:

کشورها به منظور حفظ و توسعه‌ی قدرت ملی و نیز دستیابی به اهداف تعیین شده‌ی خود اقدام به تدوین راهبرد ژئوپلیتیکی در پیوند با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌کنند. از این‌رو، نظام‌های سیاسی کوشیده‌اند تا از طریق تصرف یا نفوذ در سرزمین‌هایی که می‌تواند مکمل ژئوپلیتیک آنها باشد، از یک‌سو اقدام به رفع تنگناهای ژئوپلیتیکی (محدودیت سرزمین و منابع) و از سوی دیگر، به افزایش وزن ژئوپلیتیکی خود اقدام کنند. تنگناهای ژئوپلیتیکی، کشورها را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای رفع معضل فضایی - سرزمینی خود لاجرم دست به اقدامات و راهبردهای جبرانی همچون جنگ بزنند. کشور عراق است به لحاظ ساختگی بودنش وارث تنگناهای ژئوپلیتیکی عمده‌ای از جمله، ناکارآمدی کرانه‌های جنوبی‌اش در خلیج فارس برای دسترسی به آب‌های آزاد است. از این‌رو، عراق چه در زمان رژیم بعث و چه در زمان حکومت جدید آن همواره در پی حل معضل ژئوپلیتیکی خود بوده است. در این راستا، این کشور مبادرت به دو جنگ منطقه‌ای با کشورهای ایران و کویت در زمان حکومت صدام نمود. تکاپوهای ژئوپلیتیکی عراق پس از سقوط صدام و در زمان حکومت جدید نیز موجب تشدید مجدد تنش‌های مرزی عراق با ایران و کویت شده است.

این مقاله به تشریح این مسئله می‌پردازد که تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در عدم دسترسی آسان به آب‌های آزاد باعث شده است که حاکمان بغداد چه در زمان رژیم بعث و چه در زمان حکومت جدید راهبرد ژئوپلیتیکی خود را بر مبنای تحصیل سرزمین و توسعه‌ی فضایی حیاتی تعریف کنند.

* * * * *

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.
۲- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت معلم تهران.
۳- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

واژگان کلیدی

عراق، تنگنای ژئوپلیتیک، راهبرد ژئوپلیتیک، فضای حیاتی، جنگ.

مقدمه

جنگ و جنگ‌طلبی عملی در جهت تغییر محیط فیزیکی و روانی یک کنشگر است. این تغییر در مختصات جغرافیایی، در قالب مفهوم قلمروخواهی نمود پیدا می‌کند. قلمروخواهی، یک راهبرد در سیاست خارجی دولت‌ها است که بر تحصیل سرزمین و منابع موجود در آن برای افزایش قدرت ملی کشورها دلالت می‌کند. راهبرد قلمروخواهی بیشتر ریشه در نیازها و ضعف‌های سرزمینی دارد، طوری که کشورها برای رفع نقاط ضعف سرزمینی خود به دنبال مکمل‌های سرزمینی در محیط اطراف خود هستند. پیگیری این راهبرد بیش‌تر به جنگ انجامیده است. عراق از جمله کشورهایی است که به‌لحاظ سرزمینی چنین وضعیتی دارد. تنگناهای ژئوپلیتیک عراق از زمان موجودیت این کشور نقش مهمی در روابط خارجی آن با محیط بین‌المللی داشته است. دسترسی عراق به دریا با محدودیت همراه است. بر این اساس، یکی از اهداف این کشور برطرف کردن این تنگنای ژئوپلیتیک بوده است. عراق از آغاز تأسیس خود تا سقوط سلطنت «خاندان هاشمی» بیش‌تر به دریای مدیترانه توجه داشت. حاکمان بغداد حدود ۴۰ سال می‌کوشیدند با ضمیمه کردن سوریه، لبنان، فلسطین و اردن به عراق کشوری بزرگ تحت لوای خاندان هاشمی عراق به‌وجود آورند، اما موفق نشدند (ولدانی، ۱۳۸۹: ۵۲). محقق نشدن چنین امری سیاست‌های عراق را متوجه خلیج فارس کرد، اما واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک عراق در این سو نیز با بن‌بست روبه‌رو شد، زیرا این کشور به دلیل طول کم سواحل خود جایی میان کشورهای مسلط بر خلیج فارس نداشت و نمی‌توانست در امور سیاسی-اقتصادی آن نقش مؤثری ایفا کند. این کشور تنها در صورتی می‌توانست در تحولات خلیج فارس مؤثر واقع شود که شکل مرزهایش به‌منظور افزایش طول سواحل و دسترسی بیش‌تر به خلیج فارس تغییر می‌یافت و این امر تنها از راه تحصیل سرزمین‌های ایران و کویت ممکن بود. عراق مدت‌ها مدعی مالکیت بر کویت به‌ویژه جزایر

«وربه» و «بویان» بود و از سوی دیگر، خوزستان ایران را نیز عربستان می‌نامید. سرانجام این کشور برای تصرف خوزستان ایران، مالکیت انحصاری «اروند رود» و تصرف جزایر «وربه» و «بویان» به ایران و کویت حمله‌ی نظامی کرد.

به نظر می‌رسد متأثر از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی عراق، راهبردهای توسعه طلبانه و تهاجمی این کشور در رویکردهای سیاست خارجی آن جایگاه محوری یافته است. از این‌رو، نویسندگان این نوشتار درصدد برآمدند با روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی، تأثیر تنگناهای ژئوپلیتیکی را در راهبرد جنگ طلبانه عراق بررسی کنند.

مبانی نظری

نسبت جنگ و مفهوم فضای حیاتی

جنگ^۱ حاصل برخورد میان پدیده‌های اجتماعی و منافع موجود انسان‌ها در فضای جغرافیایی است (هونتزینگر، ۱۳۸۶: ۴۶). به عبارت دیگر، جنگ در چارچوب کنش انسان و محیط، محصول تعارض‌های جبری بین کنش‌های جمعی در اکوسیستم جغرافیایی انسان است که متأثر از آن انسان واکنش‌های رفتاری خود را در قالب دفاع، هجوم و تملک‌خواهی علیه عامل ضد خود تنظیم می‌کند. بر این اساس، فلسفه‌ی جنگ در زندگی اجتماعی انسان بر بنیاد برخورد و تعارض بین منافع ذهنی، ایمانی و حیاتی انسان‌ها نسبت به فضا (مادی و معنوی) قرار دارد که منطق جبری آن کسب منفعت مورد نظر است. از این‌رو، انسان لاجرم به جنگ و ستیز با انسان‌های دیگر کشانده می‌شود (جونز، ۱۳۵۹: ۲۸). «هابز» از این شرایط با عنوان وضع طبیعی یاد می‌کند. وی معتقد است که بیشتر میل‌ها و خواسته‌های فطری انسان در جهت پیکار با هم‌نوع‌هایش قرار دارد. ترکیب دو عامل میل به آزادی (ماکیاول) و تمامیت‌خواهی سبب می‌شود، انسان به هرآنچه در فضای پیرامونش وجود دارد، میل به تصاحب و تملک آن داشته باشد. (هابز، ۱۳۸۴: ۱۱۹) فضا بخشی از سطح زمین و جایگاهی است که ساختار زندگی اجتماعی در آن تحقق می‌یابد.

1- war.

به عبارت دیگر، فضای جغرافیایی، شامل فرایندهای طبیعی تغییر یافته به وسیله‌ی انسان، شرایط اجتماعی تولید و تقسیم کار در یک کل منتظم می‌باشد. (شکوئی، ۱۳۸۲: ۱۱۸). از این رو، به واسطه‌ی کنشگری انسان، فضا به طور مداوم در اثر نیازهای اجتماعی - اقتصادی انسان در وسعت و فرم تغییر می‌یابد (همان: ۲۸۶). در فضایی که افراد انسانی در قالب جوامع گوناگون از یکدیگر جدا شده‌اند، یک جامعه‌ی مفروض تنها در صورت بهره‌کشی از فضای یک یا چند کشور دیگر می‌تواند رشد و توسعه یابد. (روسو، ۱۳۹۰: ۳۷۴) بر این اساس، فضا دارای نوعی بار ارزشی است که می‌تواند موضوع رقابت برای تصاحب آن شود. به واسطه‌ی چنین ویژگی‌ای مفهوم فضای حیاتی نزد اندیشمندان و صاحب‌نظران علم سیاست شکل گرفت. مفهوم فضای حیاتی ریشه در اندیشه‌های عصر روشنگری و گرایش‌های جهان‌وطنی در سنت‌های رمانتیک و تاریخ‌گرای آلمان دارد. از فلاسفه نیز «افلاطون»، «ارسطو»، «سیسرو»، «هابز»، «روسو»، «فیخته» و «هربرت اسپنسر» دیدگاهی ارگانیک نسبت به نهاد دولت داشته‌اند و آن را با بدن انسان مقایسه می‌کردند (عالم، ۱۳۸۳: ۲۳۰). سرانجام «فردریش راتزل» و «کارل هاوس هوفر» فضای حیاتی را در قالب نظریه‌ی دولت ارگانیک تئوریزه کردند. بر اساس این دیدگاه، دولت به مثابه پدیده‌ی طبیعی و زیستی ادراک می‌شود که از طریق مؤسسات مختلف خود، کارکردهای مختلفی را ارائه می‌دهد. کارکردهای مناسب نشان‌دهنده‌ی صحت کل بخش‌های متشکل (اندام) دولت است (Jones, Greta, 1980). «لبنزروم»^۱ مورد نظر «راتزل» سرزمینی است که پیکره‌ای ارگانیک دارد. از این رو، گسترش مرزهای دولت بازتابی از سلامت و توان توسعه‌ی آن ملت است و دولت‌ها همانند جانوران رشد می‌کنند که در صورت نبود فضای حیاتی ناتوان می‌شوند و سرانجام می‌میرند. بر این اساس، مرز دولت‌ها کارکردی موقت، پویا و متغیر دارند. «دترمینیسم» ناشی از «لبنزروم» موجب شد دولت‌های قوی‌تر تحصیل سرزمین‌های متعلق به دولت‌های ضعیف را توجیه کنند (Vallecera, 2008). در بسیاری از

1- Lebensraum.

نظریه‌های ژئوپلیتیک دولت‌ها به‌منظور تأمین فضای حیاتی ناگزیر از قدرت‌یابی روزافزون از طریق نفوذ در دیگر قلمروها هستند. (عزتی، ۱۳۸۶: ۷۵) از این‌رو، در قالب اندیشه‌ی فضای حیاتی، تلاش برای توسعه‌ی ارضی و حفظ آزادی‌های آن به علت تمایل آزادی‌خواهانه دیگران جنگ را مقوله‌ای اجتناب‌ناپذیر خواهد کرد. (محمود، ۱۳۸۴: ۹۶)

ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک علم مطالعه‌ی روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). این روابط و کنش‌ها تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپلیتیک دولت‌ها و نیز ساختار نظام ژئوپلیتیک جهانی هستند. از این‌رو، همبستگی و هماهنگی شدیدی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها وجود دارد و براساس آن، راهبردهای ژئوپلیتیکی طراحی و عملیاتی می‌شوند تا به ساختار روابط ژئوپلیتیکی جهت و معنا بخشند.

واقعیت‌های ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک علم مطالعه‌ی روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است. این روابط و کنش‌ها تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپلیتیک دولت‌ها و نیز ساختار نظام ژئوپلیتیک جهانی است. از این‌رو، همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها برقرار است و براساس آن، راهبردهای ژئوپلیتیکی طراحی و عملیاتی می‌شوند تا به ساختار روابط ژئوپلیتیکی جهت و معنا بخشند. واقعیت‌های ژئوپلیتیک بیانگر ادراکات ژئوپلیتیکی هستند که از ماهیتی جغرافیایی - سیاسی برخوردار بوده و رفتار سیاسی، راهبردها، اهداف و منافع ملی، امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقا و موجودیت کشورها را توجیه می‌کند. به‌طوری‌که چشم‌پوشی از آنها تحقق اهداف حیاتی و راهبردی کشورها را با چالش روبه‌رو می‌سازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). از این‌رو، واقعیت‌های ژئوپلیتیک سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها را در مسیر دستیابی به منافع ملی هدایت می‌کند. ادراک ناشی از شرایط و وضعیت برآمده از یک واقعیت ژئوپلیتیک زمینه‌ساز تدوین کدهای

ژئوپلیتیکی کشورها می‌شود. بر این اساس، بسته به میزان آگاهی و درک از واقعیات ژئوپلیتیک راهبرد ملی کشورها تدوین می‌شود.

کد ژئوپلیتیک

کد ژئوپلیتیک عبارت است، از دستور کار عملیات سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، که نتیجه‌ی استدلال مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های سیاسی - جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۴). کد ژئوپلیتیک نماینده‌ی دیدگاه‌های کم و بیش منسجم در ژئوپلیتیک جهانی یا وضعیت و منافع یک کشور است. بنابراین، کدهای ژئوپلیتیک اساس سیاست خارجی کشورها را تشکیل داده و نوع منافع، تهدیدات منافع و نوع واکنش به تهدیدات را تبیین می‌کند (O'LoughlinT, 1994: 89). از این‌رو، یک منطقه یا مختصات جغرافیایی محل کنش و واکنش کدهای ژئوپلیتیک کشورها است که بسته به ماهیت کدها (همسو و غیرهمسو) فضای تقابل و منازعه یا مسالمت‌آمیز و همکاری شکل می‌گیرد.

راهبرد ژئوپلیتیکی

راهبرد ژئوپلیتیکی را اولین بار «هاوس هوفر» آلمانی مطرح کرد. وی مدعی شد که آلمان و روسیه در مقام دو قدرت بزرگ اروپا، باید در آسیا به اشتراک منافع دست یابند. این ترتیبات به آلمان امکان می‌داد تا از طریق ژاپن با آمریکا ارتباط یابد (عزتی، ۱۳۷۹: ۸۹-۸۸). راهبرد ژئوپلیتیکی عبارت است، از خط‌مشی که دولت بر پایه‌ی جنبه‌های فضایی - جغرافیایی و عوامل ژئوپلیتیکی ثابت و متغیر علیه رقبای خود در پیش می‌گیرد تا به اهداف و منافع ملی خود دست یازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۲). به‌عبارت دیگر، یک راهبرد جامع و متکی بر واقعیات‌های ژئوپلیتیکی گونه‌ای از طراحی برنامه است که از آن با عنوان راهبرد ژئوپلیتیکی یاد می‌شود. ماهیت چنین برنامه‌ای بر پایه‌ی نگرش‌های راهبردی مبتنی بر نحوه‌ی ادراک یک کشور از منافع حیاتی خود در محیط بین‌المللی قرار دارد.

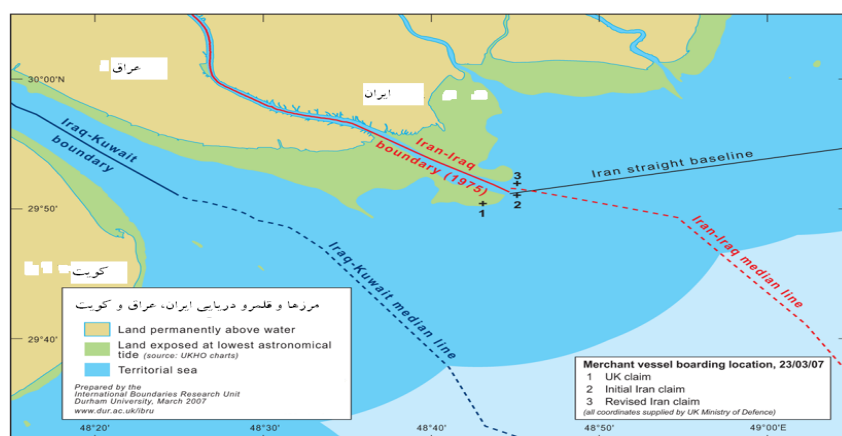
محیط مسأله

جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عراق

یکی از عواملی که در هر شرایطی سیاست یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، جغرافیا است. جغرافیای هر کشور بسیاری از اندیشه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و راه‌حل‌ها را به مسئولان آن کشور تحمیل و گاهی فراتر از اصول و انتزاعیات عمل می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۸۸: ۲۴).

سرزمین عراق در سال ۱۵۳۵ پس از شکست نیروهای ایرانی از سپاه عثمانی به تصرف آن امپراتوری درآمد و تا پایان جنگ جهانی اول، به‌جز سال‌های ۱۶۲۵ تا ۱۶۳۸ که در تصرف ایران بود، بخشی از عثمانی به‌شمار می‌رفت. پس از جنگ جهانی اول، با فروپاشی امپراتوری عثمانی و تجزیه‌ی آن به‌دست متفقین، عراق از سه ولایت «موصل» در شمال (کردستان)، «بغداد» در مرکز (بخش سنی‌نشین کشور) و «بصره» در جنوب (بخش شیعه‌نشین و اکثریت) تشکیل شد و براساس معاهده‌ی «سیور» در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. تا آغاز جنگ جهانی دوم عراق زیر نفوذ انگلستان قرار داشت، اما دوازده سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۲ از سلطه‌ی انگلستان خارج شد و به‌طور رسمی استقلال یافت. در سال ۱۹۴۱ «رشید عالی گیلانی» با کودتا، زمام قدرت را در عراق به دست گرفت، اما نتوانست در برابر هجوم سربازان انگلیسی مقاومت کند. تا سال ۱۹۵۸ «خاندان هاشمی» بر عراق حکومت می‌کرد. سرانجام در همان سال حکومت پادشاهی عراق به‌دنبال کودتای «عبدالکریم قاسم» سرنگون و حکومت جمهوری اعلام شد. چند سال بعد، حزب بعث عراق علیه «قاسم» کودتا کرد و زمام امور را به‌دست گرفت. بر این اساس، دلیل وجودی عراق در پیوند با خواست همگانی نبوده و بیش‌تر ریشه در فروپاشی امپراتوری عثمانی و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای (انگلستان و فرانسه) داشته است. این امر دو عارضه‌ی مهم برای این کشور در پی داشته است؛ اولین عارضه، اختلافات ارضی و مرزی عراق با همه‌ی همسایگان به‌جز عربستان سعودی است. این اختلافات به‌دلیل قراردادی بودن مرزها، به منابع آب و نفت و گاز نیز تسری یافت و موجب شد زمینه‌ها و بسترهای منازعه و تنش میان این کشور و همسایگانش همواره وجود داشته باشد. عارضه‌ی دوم، محصور بودن نسبی عراق در خشکی است که

نوعی تنگنای ژئوپلیتیک را به لحاظ عدم دسترسی این کشور به آب‌های آزاد ایجاد کرده است و تمایل راهبردی عراق را برای حضوری تر در خلیج فارس برجسته می‌کند. (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۵۵-۱۵۲) به عبارت دیگر، کرانه‌های جنوبی عراق به دلیل تأمین نکردن نیازهای این کشور ناکارآمد محسوب می‌شوند. طول کرانه‌ی دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است (اسدی، ۱۳۸۱: ۲۳۳) که در فاصله‌ی «خور عبدالله» (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره‌ی آبادان قرار دارد. با احتساب طول آبراه «خور عبدالله»، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد. «بصره»، «ام‌القصر» و «فاو»، سه بندر معروف آن در خلیج فارس و دهانه‌ی اروندرود هستند که به دلیل عمق کم و باتلاقی بودن برای رفت و آمد نفت‌کش‌ها مناسب نیستند.



شکل شماره ۱- مرزها و قلمرو دریایی ایران، عراق و کویت براساس معاهده‌ی الجزایر ۱۹۷۵

این امر یکی از مشکلات ژئوپلیتیکی عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی محسوب می‌شود، طوری که رفتار سیاسی - نظامی پرجمعیت‌ترین کشور عربی خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده است و از بازیگری آن در این منطقه‌ی ژئوپلیتیک معاونت می‌کند. در واقع، چاره‌جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی به هدفی آرمانی برای عراق مبدل شده است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۵۷) از این رو، گسترش خط ساحلی و دسترسی آسان به آب‌های ساحلی خلیج فارس از اهداف راهبردی عراق بوده است عراقی‌ها معتقد هستند، این

مهم از طریق پیوست «خوزستان» ایران به عراق، حاکمیت انحصاری این کشور بر «اروند رود»، در اختیار داشتن کویت یا دست کم حاکمیت بر دو جزیره‌ی کویتی «وربه» و «بویان» امکان‌پذیر است. وضعیت نامساعد کرانه‌ای عراق سبب شده است، تحدید حدود مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به همکاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد، هرگز عملی نشود. در واقع، این کشور به دلیل مشکلات ژئوپلیتیکی انگیزه‌ای برای حل موضوع ندارد و منافع خود را در حل و فصل نشدن آن ارزیابی می‌کند. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۴۱)

کدهای ژئوپلیتیکی عراق

عراق از آغاز تأسیس خود تا سقوط سلطنت «خاندان هاشمی» کدها و علائق ژئوپلیتیک خود را در دریای مدیترانه پیگیری می‌کرد. حدود ۴۰ سال تلاش حاکمان عراق بر این اساس استوار بود که با ضمیمه کردن «سوریه»، «لبنان»، «فلسطین» و «اردن» به عراق یک کشور بزرگ تحت لوای «خاندان هاشمی» عراق به وجود آورند (ولدانی، ۱۳۸۹: ۵۵). ناممکن شدن چنین امری سیاست‌های عراق را متوجه خلیج فارس کرد. اما واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، عراق را در این سو نیز با بن‌بست روبه‌رو کرد. اما این تغییر نگاه عراق از مدیترانه به خلیج فارس با این تفاوت همراه بود که این بار عراق تلاش داشت علائق، کدها و مکمل‌های ژئوپلیتیکی خود را با رویکردی نظامی پیگیری کند.

اروند رود

«اروند رود» در جنوب غربی کشور و هم‌مرز با کشور عراق است که از پیوستن رودهای «دجله»، «فرات» و «کارون» پدید آمده است. این رود پس از طی مسافتی طولانی در محلی به نام «قصبه‌ی فیله» به خاک ایران می‌رسد (منصوری، ۱۳۷۶: ۱۶). طول بخش مرزی این رودخانه ۸۴ کیلومتر است. دجله و فرات پیش از پیوستن به کارون در شهر «قرنه» در ۱۱۰ کیلومتری شمال غربی آبادان به هم می‌پیوندند. طول اروند رود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود بین شهر ایرانی «اروندکنار» و شهر عراقی «فاو» قرار دارد که در نهایت در ۸ کیلومتری جنوب اروندکنار به خلیج فارس می‌ریزد. (پارسا پور، ۱۳۸۹) عرض این رود بین ۴۰۰ تا

۱۰۰۰ متر و عمق آن تا حدود ۱۸ متر متغیر است. بندرهای ایرانی «خرمشهر» و «آبادان» و همچنین بزرگ‌ترین بندر عراق یعنی «بصره» در کناره‌های این رودخانه واقع شده‌اند. این رود «میان‌مشترک» است و طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور حقوق یکسانی در استفاده از آن دارند. با توجه به این‌که نحوه‌ی تعیین خط مرز برای رودخانه‌های مرزی یا به روش خط فرض «مقسم‌المیاه» (خط فرض منصف وسط رودخانه) است یا به روش «تالوگ» (به معنای «خط‌القدر» قابل کشتی‌رانی در حالت جزر کامل) رودخانه‌ی اروند طبق مشخصاتی که دارد باید به روش «تالوگ»^۱ تعیین مرز می‌شد، اما عراق مدعی مالکیت کامل بر همه‌ی رودخانه بود و مرز را ساحل ایران و نه در امتداد خط «تالوگ» می‌دانست که این ادعا فاقد مبنای حقوق بین‌الملل بود. در واقع، با این فرض اروندرود جزء آب‌های داخلی عراق به‌شمار می‌آمد و حق استفاده‌ی ایران برای کشتیرانی، ماهی‌گیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام می‌شد. نزدیک به ۱۳ رودخانه در طول مرزهای مشترک ۱۶۰۰ کیلومتری ایران و عراق وجود دارد که در همه‌ی آنها خط منصف به‌عنوان مرز مشترک پذیرفته شده است. ولی عراق این استثنای غیرقانونی را تنها برای اروندرود قائل شده است (پارساپور، ۱۳۸۹). البته ریشه‌ی این ادعای عراق به قرارداد ۱۳ تیر ۱۳۱۶ میان دو کشور ایران و عراق بر می‌گردد که طبق آن حق کشتیرانی در سراسر اروند به استثنای ۵ کیلومتر از آب‌های آبادان تا خط «تالوگ» (با فشار انگلستان) به دولت عراق واگذار شد و مالکیت عراق بر همه‌ی اروند رود به استثنای آن ۵ کیلومتر گسترش یافت (اردستانی، ۱۳۸۷: ۷۱). با کودتای «عبدالکریم قاسم» در ۲۳ تیر ۱۳۳۷ اروند رود به بحرانی حاد در روابط ایران و عراق مبدل شد. این در حالی بود که «حسن البکر» (رهبر کودتاکنندگان علیه حکومت عراق) ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و مقامات بعثی تصمیم گرفتند اسناد و مدارک کشتی‌هایی را که وارد اروند رود می‌شوند بازرسی کنند. به‌دنبال این تصمیم در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ وزارت امور خارجه‌ی عراق آبراه اروند رود را جزء جدایی‌ناپذیر خاک عراق دانست و از ایران خواست پرچم‌های خود را از روی کشتی‌ها پایین بیاورد. در پی این اقدام، دولت ایران در اردیبهشت ۱۳۴۸ عهدنامه‌ی مرزی ۱۳۱۶ را ملغی و تمایل

1- Talweg.

خود را به انعقاد قراردادی مبتنی بر خط «تالوگ» اعلام کرد. بر اثر این رویداد دو کشور با یکدیگر درگیری نظامی پیدا کردند، اما با میانجی‌گری «هواری بومدین» در جریان اجلاس سران اوپک، در این باره توافقاتی انجام گرفت. به موجب عهدنامه‌ی الجزایر و با پذیرش خط «تالوگ» به منزله‌ی خط مرزی دو کشور، عملاً حاکمیت ایران بر اروندرود پذیرفته شد. با این حال، پس از این قرارداد به‌ویژه با فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران، رهبران عراق بارها در سخنان خود خواستار برقراری حاکمیت مطلق آن کشور بر اروندرود شدند و اعلام کردند که می‌خواهند به موضع پیش از سال ۱۹۷۵ برگردند (ولدانی، ۱۳۶۸: ۶۳).

خوزستان

استان «خوزستان» با مساحت ۶۴/۰۷۵ کیلومتر مربع در جنوب‌غربی ایران و در جوار خلیج فارس و اروندرود قرار دارد. «خوزستان» از شمال به استان «لرستان»، از شمال‌شرقی و شرق به استان «چهارمحال و بختیاری»، از شمال‌غربی به استان «ایلام»، از شرق و جنوب‌شرقی به استان «کهگیلویه و بویراحمد»، از جنوب به «خلیج فارس»، و از غرب به کشور «عراق» محدود می‌شود. در این استان از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا آخرین روز جنگ تحمیلی عملیات‌های گوناگونی برای بازپس‌گیری مناطق اشغال‌شده‌ی ایران انجام شد. در آغاز جنگ شهرهایی چون «سوسنگرد»، «دزفول»، «اندیمشک»، «خرمشهر»، «آبادان» و «اهواز» (مرکز خوزستان) بی‌درپی هدف حملات موشکی و توپخانه‌ی ارتش عراق قرار داشتند. این استان به لحاظ هویت تاریخی خود همواره مورد ادعای عراق بود. در دوران مقارن با حکومت «شاهرخ میرزای تیموری» حکومت‌های محلی غرب ایران تحت حاکمیت «جهانشاه قره‌قویونلو» که شیعه مذهب بود، قرار داشت و حکومت فارس و خوزستان نیز در سلطه‌ی «عبدالله سلطان» نوه‌ی «شاهرخ میرزا» بود. در این زمان که مذهب شیعه در ایران و عراق رواج داشت. فردی به نام «سید محمد مشعشع» در بستر مساعد جامعه‌ی شیعی خوزستان ادعای مهدویت کرد و با استفاده از احساسات مردم قیامی تدارک دید. در این اوضاع و احوال «شاهرخ میرزا» فوت کرد. به دنبال این رخداد، «جهانشاه قره‌قویونلو» ضمن اعلام استقلال قسمت‌های دیگر ایران را تصرف کرد، ولی به دلیل اعتقاد به مذهب شیعه در مورد منطقه‌ی جنوب‌غرب ایران و جنوب‌شرق عراق که یاران «محمد مشعشع» در آنجا نفوذ پیدا کرده بودند، چندان سخت‌گیری نکرد و همین امر موجب گسترش نفوذ

«مشعشعیان» در خوزستان و جنوب شرقی عراق شد و حدود ۷۰ سال به‌طور مستقل در این منطقه حکومت کردند. «مشعشعیان» سرانجام در سال ۱۹۱۴ با حمله‌ی شاه «اسماعیل صفوی» سرنگون شدند. بر این اساس، عراق با استناد به خلأ قدرت دولت مرکزی ایران در دوران «مشعشعیان» و همچنین عرب‌نژاد بودن آنها ادعاهای توسعه‌طلبانه‌ی خود را درباره‌ی تجزیه‌ی خوزستان مطرح می‌کرد. موقعیت سیاسی عشیره‌ی «خزلی‌ها»، به‌ویژه «شیخ خزعل» در خوزستان دوره‌ی قاجار نیز در طرح چنین ادعاهایی مؤثر بود. «شیخ خزعل» با استفاده از نفوذ خود در دربار قاجار و همچنین دوران پراشوب مشروطیت در ایران دامنه‌ی حکمرانی و نفوذ خود در خوزستان را تثبیت کرد. با پایان یافتن جنگ جهانی اول و تجزیه‌ی عثمانی و پدید آمدن کشورهای ترکیه، عراق، کویت و...، شیخ خزعل نیز درصدد تجزیه‌ی خوزستان و حکمرانی بر آن برآمد که با مداخله‌ی ارتش رضا شاه غائله‌ی خزعل پایان گرفت (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۴۶). مجموعه‌ی فعل و انفعالات سیاسی خوزستان زمینه‌ای شد تا عراق طرح ادعاهایش را درباره‌ی این منطقه، به‌ویژه پس از انقلاب ایران مطرح کند و تلاش‌های گسترده‌ای برای تجزیه‌ی خوزستان انجام دهد. مشکلات ناشی از انقلاب و ضعف دولت مرکزی ایران وضعیت مساعدی برای عراق فراهم کرده بود تا مطامع توسعه‌طلبانه‌ی خود را درباره‌ی خوزستان عملی کند. وجود اقلیت عرب خوزستان، این استان را در کانون توجه و مداخلات زمامداران عراق قرار داد، طوری که روابط گسترده‌ی عراق با گروهک‌ها و شیوخ قبایل عرب استان در راهبرد ژئوپلیتیکی این کشور جایگاه ویژه‌ای یافت. عراق می‌کوشید با القای آموزه‌های «پان‌عربیسم» و جذب نواحی عرب‌نشین موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند. چنین اقدامی موجب شد تا زمامداران عراق در اشغال خوزستان برای همراهی و کمک اقلیت عرب استان در اهمیت ویژه‌ای قائل شوند. به عقیده‌ی آنان این همراهی سبب می‌شد تا اشغال خوزستان رنگ آزادسازی به‌خود گیرد. از این‌رو، در گام اول عراق سعی در تحریف تاریخ خوزستان می‌کرد که در این خصوص به چاپ نقشه‌هایی از کشور خود اقدام کرد که خوزستان نیز با نام عربستان جزء آن بود. (رشید، ۱۳۸۸: ۲۶)

علائق ژئوپلیتیکی عراق در خوزستان

محدودیت عراق در دسترسی به آب‌های آزاد، گستره‌ی مانور این کشور را در خلیج فارس از نظر نظامی و اقتصادی محدود می‌کرد. تا جایی که از آغاز استقلال عراق دسترسی

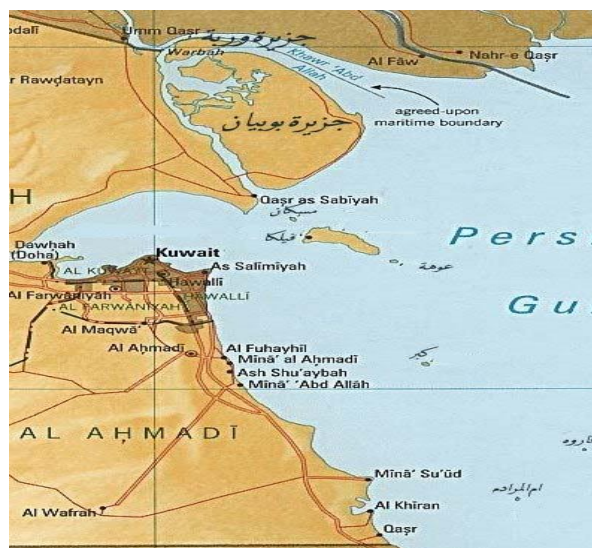
آسان و گسترده به آب‌های خلیج فارس پیوسته در زمره‌ی آرمان‌های رهبران آن کشور قرار گرفت. زمامداران دوران حکومت بعث برای رهایی از این مشکل ژئوپلیتیک همواره چند گزینه پیش روی خود داشتند که یکی از آنها اشغال خوزستان بود. الحاق خوزستان به عراق مزیت‌هایی به این شرح برای این کشور داشت:

- ۱) تسلط بر منابع غنی نفت ایران (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۴)؛
 - ۲) حاکمیت انحصاری بر آب‌های اروندرود؛
 - ۳) تسلط بر منابع مهم آبی همچون رودهای «کارون»، «کرخه»، «دز»، «هندیجان»، «جراحی»، «مارون» و «بهمنشیر»؛
 - ۴) استفاده از مناطق حاصل‌خیز و جلگه‌ای خوزستان.
 - ۵) بهره‌گیری از کانون‌های اقتصادی و نفتی از جمله بندرهای «آبادان»، «خرمشهر»، «ماهشهر» و «امام خمینی^(ره)».
 - ۶) افزایش طول کرانه‌ی ساحلی.
 - ۷) تسلط بر اتحادیه‌ی عرب.
 - ۸) تغییر جایگاه عراق در ساختار نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی.
 - ۹) تحکیم مبانی فکری حزب بعث و مشروعیت آن در جهان عرب.
- ویژگی‌های مذکور سبب شد نوک پیکان حملات عراق در جنگ با ایران متوجه استان خوزستان شود.

جزایر «وربه» و «بویان» در کویت

جزیره‌ی بویان در شمال شرقی کویت با حدود ۱۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت، بزرگ‌ترین جزیره‌ی کویت است. این جزیره در مدخل «شط‌العرب» قرار دارد و به پایگاه دریایی «ام‌القصر» عراق مشرف است. کم‌ترین فاصله‌ی «بویان» با خاک عراق تقریباً ۲۰ کیلومتر است و فاصله‌ی آن تا آبادان نیز در همین حدود می‌باشد. «بویان» به‌طور تقریبی در ۶۵ کیلومتری جنوب‌غربی دهانه‌ی «خور موسی»، ۱۹۰ کیلومتری شمال‌غربی «خارک» و ۲۵۰ کیلومتری شمال‌غربی «بوشهر» قرار دارد. بخش‌های شمال و شمال‌شرقی این

جزیره که در مجاورت خاک عراق قرار دارد، پست و باتلاقی است. «بویان» را یک پل بتونی به طول ۲۵۰۰ متر به خاک اصلی کویت متصل کرده است؛ به طوری که، کشتی‌ها می‌توانند از زیر بخشی از این پل که در قسمت جنوبی جزیره «بویان» احداث شده است، عبور کنند. این پل به کویت امکان می‌دهد که در صورت لزوم نیروهای خود را به داخل این جزیره منتقل کند. کویت از مدت‌ها پیش می‌کوشد با استقرار ادوات پدافندی و احداث استحکامات نظامی و حتی ساختمان‌های مسکونی و وسایل تفریحی، حضور خود را در این جزیره اثبات کند. واقع شدن جزیره «بویان» در امتداد جزیره مهم خارک، اهمیت راهبردی این جزیره را دوچندان کرده است. جزیره بسیار کوچک «وربه» نیز در شمال جزیره «بویان» و در فاصله‌ای کم‌تر از ۲۰ کیلومتر از آبادان قرار دارد و به وسیله‌ی باریکه‌ی آبی «خور بویان» از جزیره «بویان» جدا شده است. این جزیره نیز مانند «بویان» مشرف به بندر «ام‌القصر» عراق است، بندری که در زمان «عبدالکریم قاسم» رئیس‌جمهور اسبق عراق تأسیس شد و در سال‌های بعد توسعه یافت (www.garoo.com)



شکل شماره ۲- موقعیت جغرافیایی جزایر ورابه و بویان (همان)

علاقه ژئوپلیتیکی عراق در جزایر «وربه» و «بویان»

عراق از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۰ به‌طور جدی جزایر «وربه» و «بویان» را مطالبه می‌کرد. این کشور مایل بود که کویت این جزایر را یا به آن کشور واگذار کند یا به‌صورت ۹۹ ساله اجاره دهد. دلیل اصلی توجه عراق به این جزایر، وجود تنگنای فضایی در قلمرو آبی جنوب کشورش است. در واقع، راه‌های دسترسی عراق به خلیج فارس در احاطه‌ی آب‌های ایران و کویت قرار گرفته و دو بندر «بصره» و «ام‌القصر» تحت تأثیر این امر دچار مشکل شده‌اند. با پذیرش خط «تالوگ» در اروند عملاً از اهمیت بندر بصره کاسته شد، زیرا مسیر رفت و آمد کشتی‌ها در اروندرود در سمت ساحل ایران است. بندر ام‌القصر نیز در احاطه‌ی جزایر وربه و بویان قرار دارد و برای دسترسی به این بندر باید از آب‌های کویت عبور کرد. دولت عراق ادعا می‌کرد به دلیل وسعت کم فاقد عمق راهبردی است و نمی‌تواند در برابر حملات خارجی از خود دفاع کند (ولدانی، ۱۳۸۹: ۶۶). به همین دلیل در گذشته همیشه کویت را برای واگذاری جزایر وربه و بویان تحت فشار قرار می‌داد (ولایتی، ۱۳۶۷: ۵۷). در طول جنگ ایران و عراق نیز به دلیل انسداد اروندرود و انهدام اسکله‌های نفتی «البکر» و «الامیه» و سپس «فاو»، راه‌های ارتباطی عراق با خلیج فارس قطع شده و این کشور توانایی اجرای عملیات دریایی را از دست داده بود؛ از این‌رو، عراق به روش‌های گوناگون برای تصرف یا استفاده از این جزیره اقداماتی انجام داد تا ضمن به‌دست آوردن قدرت مانور و اجرای عملیات دریایی به تأسیسات حیاتی جمهوری اسلامی ایران در جزیره‌ی خارک نیز صدمه وارد کند. به‌طور کلی، موارد زیر از جمله عللی هستند که تلاش عراق برای تملک جزایر مذکور را توجیه می‌کنند:

- ۱) باز شدن راه تنفسی عراق و خروج از انزوای محیطی با اتصال به خلیج فارس و آب‌های بین‌المللی؛
- ۲) دستیابی به ساحل مناسب و باکیفیت برای ایجاد تأسیسات و پایانه‌های نفتی و بازرگانی؛
- ۳) گسترش طول ساحلی مرزها در خلیج فارس؛
- ۴) افزودن شدن بر تعداد جزایر و بندرها در حوزه‌ی اقتصادی خلیج فارس؛
- ۵) افزایش عمق راهبردی کشور در برابر تهدیدهای نظامی.

کدهای ژئوپلیتیک و راهبردهای جنگ طلبانه

حمله‌ی نظامی به ایران

وقوع انقلاب اسلامی در ایران روند اجرای مفاد عهدنامه‌ی الجزایر و تعیین مرزهای آبی - خاکی ایران و عراق را متوقف کرد. (سجادپور و مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰) در وضعیت جدید به مرور زمان سیاست خارجی دو کشور ماهیتی تهاجمی به خود گرفت. نگرانی صدام از بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در جامعه‌ی مستعد عراق و همچنین مهیا شدن فرصتی تاریخی برای جبران تحقیر حاصل از امضای قرارداد الجزایر، حکومت صدام را به سوی رویارویی با ایران سوق داد. علاوه بر این، از آن‌جا که انقلاب اسلامی ایران سطوح قدرت در خاورمیانه را دگرگون کرده بود، عراق می‌کوشید در محیط ژئوپلیتیکی جدید اهداف و آمال سیاسی خود را نیز پیگیری کند. این کشور پس از سرخوردگی چندین ساله در موضوع الحاق کویت به خاک خود این بار متوجه خاک ایران شد. از این‌رو، همگام با تحولات و دگرگونی‌های سیاست داخلی و خارجی ایران، تنش‌های سیاسی عراق نیز شدت می‌یافت و این کشور زمینه را برای برخورد با ایران فراهم می‌کرد.

تحولات و تحرکات سیاسی - نظامی عراق قبل از حمله به ایران

چهار روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین واکنش سیاسی عراق در برابر انقلاب ایران در سخنان «سعدون حمادی» وزیر خارجه نمایان شد. وی در مصاحبه‌ای گفت: «عراق به ثبات ایران تا آن‌جا علاقه‌مند است که این کشور با اعراب، به‌ویژه عراق روابط دوستانه برقرار کند و در امور عراق دخالت نکند. همچنین از سیاست استیلاجویی در خلیج فارس دست بشوید و به تمامیت ارضی دو کشور احترام بگذارد» (روزنامه‌ی اطلاعات: ۱۳۵۷/۱۲/۲۶). اما با گذشت چند ماه از پیروزی انقلاب، حملات سیاسی عراق به ایران آغاز شد و روزنامه‌ی «الثوره» ارگان حزب بعث عراق در خرداد سال ۱۳۵۸ سه روز متوالی ضمن اعلام حمایت از اقلیت عرب‌نژاد ایران به رهبران انقلابی ایران اخطار کرد که راه و روش شاه مخلوع را دنبال نکنند، زیرا این امر برای‌شان گران تمام می‌شود و تأکید کرد که بازوی انقلاب عراق بلندتر از

آن است که به تصور آید (همان: ۱۳۵۸/۳/۲۶). «طاهر توفیق» عضو رهبری ملی حزب بعث عراق نیز ضمن نکوهش ایران در برابر عراق گفت: «سیاست ایران معرف یک معارضه‌ی جدی علیه احساسات ملت‌های عرب است و تهدیدی جدی در روابط دو کشور محسوب می‌شود» (همان: ۱۳۵۸/۴/۱۰). عراق با تمرکز بر وضعیت سیاست خارجی ایران به‌ویژه موضوع امریکا، بر حجم تنش با ایران می‌افزود، طوری‌که یک روز پس از لغو قراردادهای تسلیحاتی ۹ میلیاردی ایران با امریکا (شامل خرید جنگنده‌های اف ۱۶، آواکس و ناوشکن جنگی، شرکت‌های بل هلی‌کوپتر، بوئینگ و گروین) «لطیف جاسم» وزیر اطلاعات عراق ایران را به بی‌عدالتی در حق اقلیت عرب زبانش متهم کرد (همان: ۱۳۵۸/۵/۲۱).

ترس حکومت‌های عربی از تأثیرات انقلاب ایران در تحرک جنبش‌های ضد حکومتی عراق را به آن داشت تا خود را ناجی اعراب معرفی کند و با استفاده از این نقش دشمنی با ایران را مشروع جلوه دهد. در همین خصوص و به‌دنبال تظاهرات شیعیان در بحرین و کویت، صدام در مهر سال ۱۳۵۸ با لحنی اخطارگونه خطاب به ایران گفت: «قدرت عراق علیه هر کشوری که بخواهد به حاکمیت کویت یا بحرین تجاوز کند و یا به مردم و یا تمامیت ارضی آن کشورها آسیب رساند، به‌کار می‌رود. ما حاضریم با هر کسی که بخواهد با ما بجنگد با او بجنگیم. هر کسی که بخواهد دشمن عراق و دشمن ملت عرب باشد ما مانند نیزه‌های نوک تیزی خواهیم بود که برای جنگیدن با او آماده هستیم.» او روز بعد نیز در دانشگاه «مستنصریه» - محل سوءقصد به «طارق عزیز» - گفت: «خون پاکی که در مستنصریه به زمین ریخت بدون انتقام نخواهد ماند.» سپس سه بار سوگند یاد کرد که انتقام خون کشته شدگان واقعه‌ی «مستنصریه» را خواهد گرفت و تأکید کرد: «ملت ما آماده است برای دفاع از افتخار و حاکمیت خود و همچنین برای صلح بین مردم عرب بجنگد.» وی همچنین درباره‌ی جنگ قادسیه گفت: «در آن [جنگ] امپراتوری ساسانیان از اعراب شکست خورد.» (Wright 1980: 319) با این حال، اولین اظهارنظر جدی یک مقام رسمی دولت عراق اظهارات سفیر عراق در بیروت بود که در مصاحبه با روزنامه‌ی النهار در ۸ آبان سال ۱۳۵۸، گفت: «ایران باید کلیه‌ی حقوق عراق در شطالعرب را به‌طور داوطلبانه برگرداند» (پارسادوست: ۲۴۴).

به فاصله‌ی کوتاهی پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران سرکنسول‌گری ایران در بصره به دست مأموران عراقی اشغال شد و سفیر ایران در بغداد رسماً خواستار بسته شدن سرکنسول‌گری‌های عراق در خرمشهر و کرمانشاه و سرکنسول‌گری‌های ایران در بصره و کربلا شد (اطلاعات: ۵۸/۸/۱۶). عراق در هر تنشی با ایران، خواسته‌ی ارضی خود در مورد اروندرود را نیز به طور شفاف بیان می‌کرد. برای مثال، حدود دو ماه پس از تنش‌های مربوط به کنسول‌گری ایران در بصره، وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه‌ای با نشریه‌ی «المستقبل» چاپ پاریس از ایران دعوت کرد که پیشنهاد تجدیدنظر در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را بپذیرد. وی گفت که تمدید قرارداد برای عراق مطلوب نیست و ایران باید درباره‌ی آن تجدیدنظر کند. همچنین شط‌العرب بدون تردید یک رودخانه‌ی عربی است و ایران باید جزایر سه‌گانه را به امارات پس بدهد (همان: ۵۸/۱۰/۸). صدام نیز در ادامه‌ی حملات لفظی خود به ایران، در فروردین سال ۱۳۵۹ با صراحت خواستار به رسمیت شناختن عربستان (خوزستان) به عنوان یک منطقه‌ی عربی شد. به دنبال سخنان صدام، «طه یاسین رمضان» نیز در اردیبهشت همان سال در سخنانی بر پابندی کشورش در گرفتن حق ملت عربستان (خوزستان) تأکید کرد. در همان ماه صدام در واکنشی دیگر، در مجمع شورای ملی عراق گفت که هیچ‌وقت رسالت خود و مفهوم آن را از یاد نبرده‌ایم. ما فریاد زنان عربی را که در عربستان (خوزستان) به سر می‌برند، از یاد نخواهیم برد.

به موازات اظهارات و واکنش‌های خصمانه‌ی سیاسی مقاومت عراق و همگام با وضعیت سیاسی داخلی و خارجی ایران، تحركات نظامی این کشور نیز سامان می‌گرفت. به‌گواه اسناد تاریخی، تحركات نظامی عراق در مرز ایران از قبل پیروزی انقلاب شدت گرفته بود؛ طوری‌که بختیار آخرین نخست‌وزیر محمدرضا شاه در واکنش به گزارش‌های ژاندارمری کل کشور در مورد نقل و انتقال ادوات نظامی برخی کشورهای همسایه به مرزهای ایران گفت: «هنگامی‌که در کشوری بحران داخلی وجود دارد، این‌گونه مسائل طبیعی است، ولی نگران تجاوز رسمی به ایران نیستیم» (اطلاعات: ۵۷/۱۱/۲). «آسوشیندپرس» نیز در این باره گزارش داد که جمهوری سوسیالیستی عراق به نقل و انتقال ادوات و تجهیزات نظامی در مرزهای ایران دست زده است

(همان: ۵۷/۱۱/۳). حدود یک ماه بعد، چندی پس از فرار شاه از ایران در ۸ بهمن هلی‌کوپترها و هواپیماهای عراقی منطقه‌ی مرزی «سیرین» را که بین شهر مرزی «بانه» در ایران و آبادی «شوط» واقع شده است، بمباران کردند که ۱۵ نفر در این حمله کشته شدند (همان: ۵۷/۱۲/۸). علاوه بر این، صدام در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۹ (یک ماه و سیزده روز پس از حمله به ایران) در یک سخنرانی به آمادگی قبلی ارتش عراق برای حمله به ایران اعتراف کرد و گفت: «برداران نظامی در گذشته به من و رهبری نزدیک شدند و پیشنهادهای و توصیه‌هایی در مورد وضع ایران دادند. برای ما طبیعی بود که به حال آماده‌باش باشیم. ما با هوشیاری مراقب همسایگان خود هستیم و طرح عملیاتی برای هر کدام از آنها داریم تا در صورتی که یک همسایه بخواهد به ما تجاوز نماید آن‌را به مورد اجرا بگذاریم. این طرح‌ها در گذشته‌ی خیلی دور تهیه شده‌اند» (پارسا دوست: ۵۸۵).

همان‌گونه که ذکر شد به هر میزانی که بر شدت تنش‌های ایران با غرب به‌ویژه آمریکا افزوده می‌شد، دامنه‌ی تحرکات نظامی عراق نیز شدت می‌یافت. از این‌رو، چندی پس از آن‌که «ابراهیم یزدی» وزیر خارجه‌ی ایران اعلام کرد که قرارداد دوجانبه‌ی نظامی ایران و آمریکا لغو می‌شود (اطلاعات: ۵۸/۲/۳۱)، هلی‌کوپترهای عراقی کمابیش دو هفته بعد، چندین پرواز شناسایی بر فراز «خسروآباد» آبادان انجام دادند و پاسگاه‌های مرزی خود را در طول مرزهای خرمشهر و اروندرود تقویت کردند (همان: ۵۸/۳/۱۲). همچنین روز بعد از تعرض هوایی مذکور، «مدنی» استاندار خوزستان به قاچاق اسلحه از عراق به خوزستان اشاره می‌کند (همان: ۵۸/۳/۱۳). از این به بعد حملات هوایی این کشور به‌طور مداوم ادامه یافت طوری که در ۱۶ بهمن سال ۱۳۵۹ چهار جنگنده‌ی عراقی دهکده‌های مرزی ایران را بمباران کردند و ده‌ها کشته بر جای گذاشتند (همان: ۵۸/۳/۱۶). چهار روز پس از این عملیات، دو هواپیمای «سوخو» از طریق مرز هوایی «اورامانات» وارد حریم هوایی ایران شدند و ضمن شکستن دیوار صوتی تا عمق ۹۰ کیلومتری خاک ایران به تجسس پرداختند (همان: ۵۸/۳/۲۰). سه روز بعد نیز دو هواپیمای سوخوی دیگر یکی از روستاهای حومه‌ی اورامانات را بمباران کردند (همان: ۵۸/۴/۲۳).

در ادامه‌ی تجاوز عراق به ایران، در ۲۳ آبان سال ۱۳۵۸ دو هلی‌کوپتر عراقی در منطقه‌ی «نوسود» به حریم هوایی ایران تجاوز کردند و مدت نیم ساعت در مناطق مرزی ایران پرواز کردند (همان: ۵۸/۸/۲۳). در همین روز حکومت عراق، ایرانیان مقیم این کشور را به نوار مرزی آورد و آنها را در وضعیت نامناسبی رها کرد (همان: ۵۸/۸/۲۳). میزان حملات عراق به مناطق مرزی ایران به حدی بود که سرانجام با واکنش «صادق قطب‌زاده» وزیر خارجه‌ی ایران مواجه شد. وی گفت که: «عراق برخلاف ضوابط همسایگی در خط امپریالیسم (امریکا و رژیم صهیونیستی) قرار دارد و در برخی نقاط مرزی به ایران حمله کرده است» (همان: ۵۸/۹/۱۲). سه روز بعد از واکنش وزیر خارجه‌ی ایران، عراق در دو اقدام دیپلماتیک و نظامی به اظهارات وزیر خارجه‌ی ایران پاسخ داد. در این روز هم‌زمان با تجاوز دو هواپیمای جنگنده‌ی عراقی به حریم هوایی ایران. «سعدون حمادی» نیز در یک یادداشت اعتراضی به سفیر ایران در بغداد، ایران را به نقض مقررات اخلاقی و سنتی دیپلماتیک متهم و تهدید کرد که همه‌ی اعضای هیأت دیپلماتیک خود را از تهران فراخواهد خواند، مگر آن‌که ایران حمله به سفارت عراق و دیپلمات‌های آن‌را پایان دهد (همان: ۵۸/۹/۱۵). سرانجام شدت تنش‌ها به جایی رسید که روابط ایران و عراق به سطح کاردار تقلیل یافت. همچنین در این روز یک هواپیمای میگ عراقی که با چهار هلی‌کوپتر همراهی می‌شد به حریم هوایی ایران در منطقه‌ی مرزی «سومار» تجاوز کرد و با شلیک دو بمب به سوی تأسیسات نفتی منطقه‌ی سومار از منطقه خارج شد (همان: ۵۸/۱۲/۱۸). در اوج اختلافات ایران و امریکا، سعدون حمادی با ارسال پیامی به «کورت والد‌هایم» دبیر کل سازمان ملل اشغال جزایر سه‌گانه به دست ایران را به رسمیت نشناخت و با غیرقانونی خواندن این اقدام از ایران خواست تا به توسعه‌طلبی، تهاجمات و تهدیدهای خود پایان دهد و حاکمیت و استقلال کشورهای عربی احترام بگذارد. وزارت خارجه‌ی عراق نیز یک دیپلمات ایرانی را اخراج کرد. همچنین استانداری ایلام اعلام کرد که قریب به پانزده هزار شیعه‌ی عراقی به وسیله‌ی کامیون به مرز «دهلران» آورده شدند و در وضعیت اسفناکی رها شدند (همان: ۵۹/۱/۱۸). اما در روزی که رابطه‌ی دیپلماتیک ایران و امریکا قطع شد، عراقی‌ها با آتش توپ و خمپاره‌اندازها «نفت شهر» را زیر آتش گرفتند. در منطقه‌ی «باویس» نیز نیروهای سپاه با عراقی‌ها درگیر شدند و نقاط اشغالی

را پس گرفتند. متأثر از این رویدادها، «ظهیرنژاد» فرماندهی ژاندارمری کل کشور به همهی پاسگاه‌های ژاندارمری در مرز ایران و عراق آماده‌باش کامل داد (همان: ۵۹/۱/۱۹). همچنین ارتش عراق تحت تأثیر اوضاع داخلی ایران، «قصر شیرین» و پاسگاه‌های مرزی را به توپ بست و اطراف «سردشت» به وسیله‌ی هواپیماهای عراقی بمباران شد (همان: ۵۹/۴/۱۷). دو ماه بعد نیز درگیری گسترده‌ای در سرتاسر نوار مرزی قصر شیرین بین نیروهای مهاجم عراق و نیروهای ارتش ایران و سپاه پاسداران و مأموران ژاندارمری رخ داد (همان: ۵۹/۶/۶). همچنین دو روز بعد بر اثر حمله‌ی عراق به شهرهای «نفت شهر» و «خسروی» عده‌ای غیرنظامی شهید و مجروح شدند. ایران در واکنش به این اقدام عراق با استفاده از آتش توپ به شهرهای «منظریه» و «خانقین» حمله کرد (همان: ۵۹/۶/۱۵). در روزهای پایانی شهریور کمابیش سرتاسر نوار مرزی ایران و عراق زیر آتش قرار می‌گرفت. طبق گزارش روابط عمومی ستاد مشترک ارتش، عملیات منطقه‌ی غرب کشور، در سراسر مرز ایران و عراق درگیری وجود داشت و نفت شهر زیر آتش شدید توپ‌های عراق و نیروی هوایی این کشور بود (همان: ۵۹/۶/۱۹). در واکنش به عملیات آتشباری نیروهای ایران روی شهر «زرباطیه» عراق که محل تجمع ارتش عراق و انبار مهمات آنها بود، ارتش عراق مقابل نوار مرزی استان ایلام با چند لشکر صف‌آرایی کرد (همان: ۵۹/۶/۲۲). سرانجام پس از ماه‌ها تنش سیاسی - نظامی بین ایران و عراق وزارت خارجه‌ی عراق در یادداشتی مورخ ۲۶ شهریور سال ۱۳۵۹ قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو و صدام با ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود (شط‌العرب)، آنرا در برابر دوربین‌های تلویزیون پاره کرد (حسینی: ۱۳۸۷: ۴۶). چند روز پس از این رویداد، نبردی سنگین در طول کانال اروندرود از دهانه تا آخر خرمشهر و همچنین در مرزهای خشکی استان خوزستان در گرفت که در آن توپ تانک، موشک و انواع جنگ‌افزارهای سنگین به‌کار گرفته شد. دامنه‌ی این نبرد به ترمینال خرمشهر و فرودگاه آبادان نیز کشیده شد (اطلاعات، ۵۹/۶/۳۱). یک روز بعد از این نبرد زمینی، هواپیماهای عراقی با ورود غیرمنتظره به آسمان «کرمانشاه»، «شیراز»، «همدان»، «تبریز»، «ارومیه»، «شهرکرد»، «بوشهر» و «تهران»، فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی این شهرها را بمباران کردند (همان، ۵۹/۷/۱). و بدین ترتیب، جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق با حمله‌ی عراق به ایران آغاز شد.

به‌طور کلی، ماهیت ادعاهای عراق در آن زمان دو جنبه‌ی اصلی داشت؛ توانمندی‌های عراق در کنار ضعف‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی آن و یکی شدن اهداف این کشور با ایالات متحده در برخورد با انقلاب اسلامی در مجموع وضعیتی را به‌وجود آورد که زمینه و بستر جنگ را آماده کرد. عراق با استفاده از این موقعیت در تلاش برای جبران ضعف‌های گذشته و تحقق اهداف خود برآمد. (ثانی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۲۱۷)

حمله به کویت

سابقه‌ی تاریخی ادعاهای ارضی عراق در برابر کویت را باید در قرارداد ۲۹ ژوئیه‌ی ۱۹۱۳ جستجو کرد. به موجب این قرارداد که بین «عثمانی» و «بریتانیا» به امضا رسید، کویت به منزله‌ی ایالتی خودمختار با پرچم خاص خویش به رسمیت شناخته شد. علاوه بر آن، مرزهای کویت با عراق که همین مرزهای کنونی هستند، تعیین گردید. تا این زمان، کویت به‌طور رسمی بخشی از امپراتوری عثمانی بود، ولی طبق قرارداد ۱۸۹۹ منعقد بین بریتانیا و کویت تحت کنترل بریتانیا قرار گرفت. بعدها در جریان جنگ جهانی اول که متصرفات خاورمیانه‌ای عثمانی از جمله عراق از آن جدا شدند، بریتانیا کویت را به‌عنوان امارتی مستقل به رسمیت شناخت. اما عراق در طول سال‌های بعد همواره با این ادعا که کویت از توابع استان بصره بوده است، آن را بخشی از خاک خود می‌دانست (ولدانی، ۱۳۸۹: ۵۵). از نظر تاریخی عراق هیچ‌گاه استقلال کویت را به‌طور کامل نپذیرفت. «عبدالکریم قاسم» رئیس‌جمهور وقت عراق، پس از اعلام استقلال کویت در سال ۱۹۶۱، اعطای استقلال به این کشور از طرف انگلستان را جعلی خواند و کویت را جزء لاینفک عراق و بخشی از استان بصره دانست. عراقی‌ها در زمان «عبدالسلام عارف» استقلال و حاکمیت کویت را به رسمیت شناختند، اما هرگز راضی به حل اختلافات مرزی فیما بین نشدند. کوشش بغداد برای تصرف کویت یا پیوستن این کشور به عراق زمانی تشدید گردید که نفت در کویت کشف شد و به‌مرحله‌ی صدور رسید. از آن‌هنگام گرایش روزافزونی برای سیطره بر ثروت نفتی و مالی کویت پدید آمد. عراق بارها کویت را متهم کرد که این کشور بر سهمیه‌ی نفت عراق از حوضچه‌ی نفتی «رومیله» واقع در مرز دو

کشور چنگ انداخته است و حاضر نیست با اجاره یا فروش جزایر وره و بویان به عراق، راه دریا را برای بغداد بگشاید و منافع اقتصادی و راهبردی آنرا از این نظر تأمین کند (مرکز مطالعات و پژوهش‌های کویت، ۱۳۸۱: ۲۲۱). در چنین فضای روانی - تبلیغاتی بود که صدام مخالفت خود را با خطوط مرزی عراق - کویت - که بریتانیا در سال ۱۳۰۱ حدود آن را تعیین کرده بود - اعلام کرد. وی بر این باور بود که این وضعیت سبب عدم دسترسی عراق به دریا شده است (Cleveland, 1999: 464). از سوی دیگر، اصرار کویت بر دریافت وام‌هایی بی‌بهره‌ای که در خلال جنگ هشت ساله به بغداد پرداخت شده بود (Baker & Hamilton, 2006: 24)، در تشدید تعارض میان دو دولت به‌عنوان متغییر تسهیل‌گر نمایان شد. نمایندگان عراق و کویت برای رفع اختلافات در زمینه‌ی وام‌ها و بدهی‌های عراق ۱۰ مرداد سال ۱۹۹۰ در ریاض به گفتگو پرداختند تا راه‌حلی پیدا کنند. همان روز حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر در بغداد با صدام دیدار کرد و از او قول گرفت که به کویت حمله نکند. گزارش‌های منتشر شده حکایت از آن داشت که نماینده‌ی کویت در گفتگوهایش موافقت کرده بود که دولت وی با پرداخت یک میلیارد دلار به بحث پایان دهد. نماینده‌ی عراق این پیشنهاد را رد کرد و خواستار پرداخت همه‌ی مبلغ مورد ادعا شد. نماینده‌ی کویت گفتگو را نیمه‌تمام گذاشت و پرخاش‌کنان در را به هم کوبید و به کشورش بازگشت. این موضوع خشم عراق را برانگیخت و ساعاتی پس از این رخداد، به کویت حمله کرد. مدتی بعد عراق شیخ‌نشین کویت را استان نوزدهم خود خواند و نام آن را به «الکاضمه» تغییر داد (مجتهدزاده، ۱۳۶۱: ۲۲). از زمان تأسیس سازمان ملل (۱۹۴۵) این نخستین‌بار بود که سرزمین یکی از دولت‌های عضو به‌زور ضمیمه‌ی کشور دیگر می‌شود (BAKHASHAB, 1998). هرچند عراق در گذشته فقط خواستار واگذاری بخش‌هایی از خاک کویت به عراق شده بود؛ اما در نهایت هدفش الحاق کامل کویت به عراق بود. عراق همواره امیدوار بود که از طریق انضمام کویت بر معضلات ژئوپلیتیکی خود در منطقه‌ی خلیج فارس فائق آید؛ چراکه بدون غلبه بر آنها، امکان برخورداری از یک موقعیت برتر در خلیج فارس وجود نداشت. تهاجم عراق به کویت سند گویایی است که نشان می‌دهد زمامداران بغداد برای گریز از تنگناهای ژئوپلیتیکی خود می‌کوشیدند.

بازساخت انگاره‌های ژئوپلیتیکی در عراق نوین

عراق جدید، قرارداد الجزایر و آرمان شط‌العرب

با سقوط حکومت بعث در عراق و روی کار آمدن حکام جدید انتظار می‌رفت که سیاست خارجی عراق در خصوص ارون‌دروود تغییر عمده‌ای داشته باشد، زیرا رهبران جدید بیش‌تر از هم‌پیمانان ایران در زمان حکومت سابق بودند و به‌لحاظ مذهبی و سیاسی قرابت‌های بسیاری به یکدیگر داشتند، اما به‌نظر می‌رسد موضوع ارون‌دروود همچنان به‌عنوان یک چالش ملی بر مناسبات دو کشور سایه افکننده است، چراکه با سرنگونی حکومت بعث، حاکمان جدید عراق به نوعی همچنان همان ادبیات سیاسی دوران بعث را در خصوص لغو یا تغییر مفاد پیمان الجزایر مطرح می‌کنند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

«جلال طالبانی» رئیس‌جمهوری عراق در مصاحبه با روزنامه‌ی «الحیات» گفت: «قرارداد الجزایر پیش از این میان صدام و شاه ایران امضا شده بود و بین دو کشور ایران و عراق نبوده است. وی ضمن تأکید بر این‌که خواهان روابط خوب با تهران است، گفت: ما توافقنامه‌ی الجزایر را لغو شده می‌دانیم و آن را قبول نداریم». طالبانی تصریح کرد که مخالف برخی بیانه‌های مشترک با ایران است که در متون آن، توافقنامه‌ی الجزایر درج شده است و ادامه داد تاکنون نیز برخی از بیانه‌های مشترک را تنها به این دلیل که در آنها به این توافقنامه اشاره شده، امضا نکرده است (www.daralhayat.com, 2007). به‌دنبال اعتراض تهران وی ناچار به اصلاح گفته‌های خود شد و اعلام کرد که این قرارداد را به‌طور یک‌طرفه نمی‌توان لغو کرد، اما هیأتی روانه‌ی تهران خواهد شد تا در این باره به مذاکره با ایران بنشینند. متأثر از تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق و جو روانی ایجاد شده است از تمایل بسیاری از جریان‌های سیاسی عراق، طالبانی در گفتگو با الحیات (ضمن اشاره به روابط خوب دو کشور، بار دیگر مخالفت خود با قرارداد الجزایر را اعلام کرد و گفت: «من فکر می‌کنم که روابط ایران و عراق طبیعی و خوب است. البته در برخی موارد از جمله مسائل مرزی، اجرای قرارداد الجزایر و موضوع آب اختلافاتی وجود دارد» (www.daralhayat.com, 2010).

واکنش‌ها و ادعاهای مطرح شده در مورد قرارداد الجزایر تنها محدود به رئیس جمهور عراق نبوده است، بلکه طیف وسیعی از سیاستمداران و نمایندگان مجلس عراق را نیز شامل می‌شود. برای مثال، «هوشیار زیباری» وزیر خارجه‌ی عراق گفته است که: «بزرگ‌ترین پرونده‌ی عراق در وزارت خارجه مربوط به ایران است. وی مدعی است که اجرای قرارداد الجزایر، مطالبات مربوط به جنگ هشت ساله، رودهای مرزی، مناطق مین‌گذاری شده، نقاط مرزی مورد اختلاف و هواپیماهای عراقی موجود در ایران، تنها بخشی از مسائلی است که مجلس عراق باید برای آنها برنامه‌هایی را طراحی کند». وزیر خارجه‌ی عراق در سخنان خود تأکید کرد که ایران و عراق بر سر تعیین مرزهای زمینی و دریایی خود، از جمله اروندرود اختلاف دارند و تلاش‌های مخفیانه و درازمدت عراق برای متقاعد کردن ایرانی‌ها درباره‌ی ضرورت دست کشیدن از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و بستن قراردادی جدید با ایران به نتیجه نرسیده است. زیباری ادامه داد: «درباره‌ی مسائلی که در قرارداد الجزایر از آن سخنی به میان نیامده است، حاضر به گفتگو نیستیم. وی مدعی شد: در سه سال اخیر، ایرانی‌ها را به پذیرش برخی موارد مربوط به مرزها، خارج از چارچوب قرارداد الجزایر ترغیب کرده‌ایم (www.al-sharq.com, 2009).

«محمد الحاج حمود» معاون (وقت) وزیر خارجه‌ی عراق نیز تصریح کرده است که: «قرارداد ۱۹۷۵ اهمیت دارد، اما از نظر عراق ملغی است و موضوع گفتگوی طرفین نخواهد بود». وی در عین حال افزود: «البته می‌توان به توافقی در این باره دست یافت». حمود همچنین تأکید کرد: «برخی مسائل حل نشده میان عراق و ایران وجود دارد که تلاش می‌کنیم از طریق مذاکره آنها را حل کنیم. ما اکنون توافق کرده‌ایم که درباره‌ی حل مشکل شط‌العرب (اروندرود) به دلیل انحراف از مجرای قدیمی آن و غرق کشتی‌ها و عوامل طبیعی دیگر، مذاکره کنیم». معاون وزیر خارجه‌ی عراق تأکید کرد: «عراق با طرف ایرانی برای تشکیل یک کمیته‌ی مشترک به منظور بازگرداندن رودخانه‌ی اروندرود به مجرای قدیمی آن و ترسیم حدود مرزها توافق کرده است و ما به بازسازی استحکامات مرزی برای رفع برخی از مشکلات مربوط به خط مرزی نیازمندیم» (www.alforattv.net, 2008). پس از مناقشه‌ی مرزی بر سر چاه‌های نفت در منطقه‌ی مرزی «فکه»، «علی‌الدباع» سخنگوی (وقت) دولت عراق گفت که: «قانونگذاران عراقی

برای تجزیه و تحلیل قرارداد الجزایر و تجدیدنظر درباره‌ی آن تلاش خواهند کرد تا چشم‌انداز روشنی به‌سوی صلح که پس از جنگ ایران و عراق حاصل نشد، به‌دست آید» (www.Cnn.com, 2009). به‌دنبال بروز تنش در منطقه‌ی فکه و آرایش نظامی در مرزهای مشترک، «اسامه النجیفی» رئیس کمیسیون (وقت) نفت و گاز مجلس عراق نیز تأکید کرد که: «پرونده‌ی مربوط به مرزهای ایران و عراق و قرارداد الجزایر به سازمان ملل بازگردانده خواهد شد تا موضوع از طریق این نهاد بین‌المللی حل و فصل شود». النجیفی اضافه کرد که: «پارلمان عراق و به‌طور ویژه کمیسیون نفت و گاز تا فرستادن این پرونده به سازمان ملل متحد، به تلاش‌های خود ادامه می‌دهد و مجلس خواهان حل و فصل سیاسی این موضوع است» (www.aawsat.com, 2010).

«عبداللطیف عبدالرشید»، وزیر (وقت) امور آب دولت عراق نیز درباره‌ی رودخانه‌های مرزی دو کشور گفت: «اختلافات بسیار مهمی درباره‌ی استفاده از رودخانه‌های مرزی بین عراق و ایران وجود دارد که باید برطرف شود تا عراق از حق طبیعی خود در بهره‌گیری از این منابع آبی باز نماند. ما با همسایه‌ی خود ایران، منافع مشترک مرزی و آبی داریم، اما ایران با اجرای برخی طرح‌ها، موجب تغییر مسیر رودخانه‌های شده است که باید به عراق وارد می‌شد». او همچنین مدعی شد: «ایران مسیر کارون، اروند و کرخه را به‌گونه‌ای تغییر داده است که آبی به عراق وارد نمی‌شود» (www.tabnak.ir, 1388) وی تأکید کرد که: «ایران تاکنون به هیچ‌کدام از انتظارات آبی عراق پاسخ نداده است» (Angell) (2003) «عبدالستار سلطان»، استاد حقوق بین‌الملل در دانشگاه بغداد معتقد است که عهدنامه‌ی الجزایر در همان شامگاه جنگ ایران و عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ لغو شد. بنابراین، عراق این قرارداد را از نظر قانونی باطل می‌داند است (www.aljazeera.net, 2010).

«محمود عثمان»، از نمایندگان کرد مجلس عراق نیز گفت که: «حکومت سابق عراق قرارداد ۱۹۷۵ را به‌منظور حذف تهدید جنبش‌های کردی منعقد کرده بود. یکی از بندهای قرارداد ۱۹۷۵ تعقیب کردها در منطقه‌ی تحت حاکمیت عراق و ایران است که باید هرچه سریع‌تر این بند از قرارداد الجزایر حذف شود». همچنین او بر این باور است که چون ایران بر ۲/۳ اروندرود و عراق بر ۱/۲ آن حاکمیت دارد، باید قرارداد

جدیدی بسته شود. (www.en.aswataliraq.info, 2008). وی مدعی شد که عهدنامه‌ی الجزایر اعتبار خود را از دست داده است چون صدام آن را در طول جنگ ایران و عراق پاره کرد (www.cnn.com, 2009).

«حسین الفلوجی»، از نمایندگان سنی مجلس عراق نیز بر این اعتقاد است حفظ اعتبار عهدنامه‌ی الجزایر به سود ایران و عراق نیست، بلکه باید مذاکرات دو جانبه‌ی جدیدی انجام شود که تضمین‌کننده‌ی صلح باشد. او معتقد است که جنگ ایران و عراق عهدنامه را منسوخ کرده است و تأکید کرد که همه‌ی کشورها بعد از هر جنگی توافقنامه و عهدنامه‌ی جدیدی امضا می‌کنند. بر این اساس، او سه گزینه فراروی ایران قرار داد:

(۱) لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر؛

(۲) تغییر مفاد قرارداد الجزایر به گونه‌ای که حقوق دو طرف را شامل شود؛

(۳) لغو قرارداد ۱۹۷۵ و انعقاد قرارداد جدید (www.en.aswataliraq.info, 2008).

بر این اساس، سیاستمداران عراقی معتقدند که قرارداد الجزایر باید مورد تجدیدنظر (لغو یا اصلاح) قرار گیرد. این در حالی است که در حقوق بین‌المللی، اصل تداوم معاهده و خصوصیت لایتغیر بودن آن از اصول قطعی، دائمی و ثابت محسوب می‌شود و این اصول از اصول ذاتی مفاد تشکیل‌دهنده‌ی عهدنامه‌های مرزی است. بنابراین، استناد به اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال در معاهدات مرزی جایز نیست و ملغی کردن این گونه عهدنامه‌ها یا تعلیق مفاد یا انقضای اصول آن مردود تلقی می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

بندر «مبارک» و تنش با کویت

واکنش حکومت جدید عراق در برابر ایران تنها به اظهارات دیپلماتیک و اعتراض به عهدنامه‌ی الجزایر انجامید، اما سیاست خارجی این کشور در مقابل کویت همسایه‌ی کوچک و ضعیف‌تر خود حالت تهاجمی به خود گرفت و در قالب تهدید موشکی آشکار شد. برخورد سه موشک اسکاد به منطقه‌ی نفت خیز در مرز عراق و کویت در ۴ شهریور سال ۱۳۹۰ موج گسترده‌ای از تنش‌های سیاسی را در دو کشور ایجاد کرد. مقامات عراقی هدف این موشک‌ها را اردوگاهی در خاک عراق بیان کرده‌اند، اما کویت هدف حمله را تأسیسات نفتی خود در جزیره‌ی بویان می‌داند، زیرا محل برخورد موشک‌ها،

منطقه‌ای در نزدیکی تأسیسات در دست ساخت بندر نفتی «مبارک» واقع در جزیره‌ی بویان بود. این بندر که قرار است در قالب ۴ فاز ساخته شود، پس از تکمیل، شامل ۶۰ اسکله خواهد بود که در این صورت به یکی از بزرگ‌ترین بندرهای خلیج فارس تبدیل خواهد شد. این بندر از راه خشکی به وسیله‌ی سه پل و بزرگراه‌هایی به شهرهای «الصیبه» و «الحریر» و از طریق راه‌آهن به کشورهای جنوب خلیج فارس، ایران، ترکیه و عراق مرتبط خواهد شد و ۱۳۰۰ متر از نزدیک‌ترین نقطه به خاک عراق و ۴۰۰۰ متر از مرزهای کویت و عراق فاصله دارد (www.asriran.com, 2011). آغاز عملیات ساخت این تأسیسات بندری، موجب تیره شدن روابط عراق و کویت شده است. هزینه‌ی احداث این پایانه بیش از ۶ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است و کویت قصد دارد با احداث آن از کشتی‌های عراقی که از طریق «خور عبدالله» وارد ساحل فاو می‌شوند، مالیات دریافت کند. عراق معتقد است با تکمیل تأسیسات عظیم بندر نفتی «مبارک»، دسترسی این کشور به آب‌های خلیج فارس محدود می‌شود.



تصویر شماره‌ی ۳- موقعیت بندر مبارک (www.garoooh.com)

وزارت خارجه‌ی عراق با احضار سفیر کویت در بغداد، اعتراض خود را در مورد ساخت این تأسیسات نفتی عظیم در آب‌های مشترک دو کشور اعلام کرد. هم‌زمان با آغاز ساخت تأسیسات نفتی بندر مبارک، گروه‌های مسلح جنوب عراق هشدار داده‌اند که به این تأسیسات حمله خواهند کرد. مقامات کویتی نیز در واکنش به اعتراض‌های عراق اعلام کرده‌اند که جزیره‌ی بویان بخشی از خاک کویت است و این کشور حق دارد در خاک خود اقداماتی در جهت منافع ملی خود انجام دهد. با تداوم ساخت بندر مبارک در مجاورت آب‌های عراق، فراکسیون پارلمانی «فرسان» یکی از زیرمجموعه‌های ائتلاف دولت قانون عراق، کویت را به واکنش نظامی تهدید و اعلام کرد در صورتی که دولت کویت طی ۴۸ ساعت آینده ساخت بندر مبارک را

متوقف نکند، باید با حمله‌ی نظامی عراق مواجه شود (www.mashregnews.ir, 2011). گفتنی است که عراق در دوران حکومت صدام حسین قصد داشت پایانه‌ی نفتی بزرگی با عنوان «بندر فاو بزرگ» در منطقه‌ی فاو در جنوب بصره و در ساحل خلیج فارس احداث کند. که دولت کویت احداث این پایانه را نقض حریم دریایی خود تلقی کرد (www.zamannews.ir, 2011).

نتیجه‌گیری

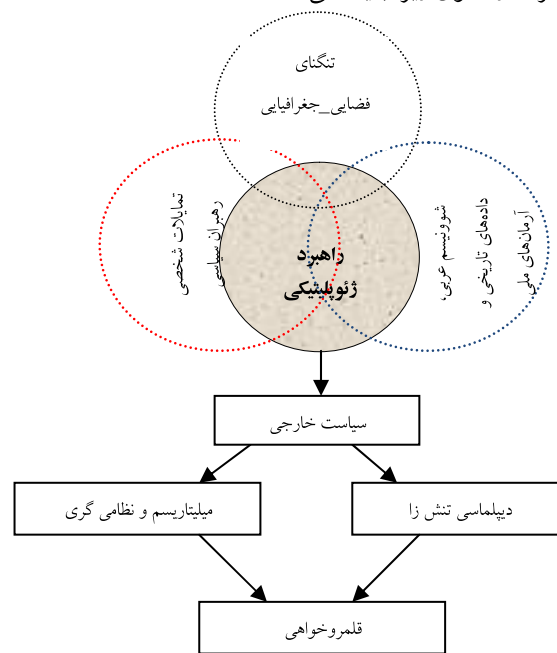
تلاش برای تقویت قدرت ملی ارتباط مستقیمی با عوامل و متغیرهای ژئوپلیتیک دارد. در این میان میزان برخورداری از وسعت، موقعیت، منابع و... فرصت‌ها یا محدودیت‌هایی فراروی دولت‌ها قرار داده است. حکومت‌ها با توجه به وضعیت ژئوپلیتیکی و تعریفی که از وضعیت خود دارند، اقدام به تدوین راهبرد ژئوپلیتیکی می‌کنند که هدف آن جهت‌دهی به نظام‌های سیاسی برای سلطه، تحصیل و تصرف منابع (مادی و معنوی) فضایی - سرزمینی است. ناکارآمدی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عراق همواره بستری مساعد و بالقوه برای جنگ و منازعه است. البته دو عامل دیگر در گرایش این کشور به جنگ مؤثر است:

(۱) تمایلات و دیدگاه‌های سیاسی شخصی؛

(۲) رویکردهای شوونیستی ملی.

تلفیق این دو عامل با تنگناهای ژئوپلیتیک عراق به سیاست خارجی این کشور ماهیتی تهاجمی، قلمروخواه و معترض بخشید و این وضعیت زمینه‌ساز تقویت اندیشه‌های توسعه‌طلبانه‌ی این کشور برای تحصیل سرزمین به‌منظور برون‌رفت از تنگنای ژئوپلیتیکی موجود شد که در قالب تجاوز ارضی به ایران و کویت خود را نشان داد. بر این اساس، ادراک ژئوپلیتیکی واحد جغرافیایی - سیاسی عراق همواره بر اساس کدها و مکمل‌های ژئوپلیتیکی در قلمروها و فضاها اطراف خود شکل می‌گیرد. از این‌رو، دغدغه‌ی دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد نقشی محوری در سیاست خارجی عراق در همه‌ی حکومت‌های این کشور داشته است. به‌عبارت دیگر، ادراک ژئوپلیتیکی سبب شده است تا حکومت عراق فضای حیاتی این کشور را در دسترسی آسان به آب‌های آزاد از طریق اروندرود، خوزستان و کویت تشخیص بدهد. به‌همین منظور، دستگاه سیاست خارجی عراق گزینه‌ی جنگ و اقدام نظامی را به مثابه ابزاری برای رفع تنگنای

ژئوپلیتیکی خود و همچنین الحاق فضاهای مکمل به فضای موجود خود به شمار می‌آورد. به نظر می‌رسد، با توجه به تغییرناپذیری مؤلفه‌ها و عوامل ژئوپلیتیکی و به‌طور کلی تنگناهای جغرافیایی - فضایی عراق، سیاست خارجی این کشور همواره بر پایه‌ی تنگناهای ژئوپلیتیک این کشور ترسیم می‌شود. بر این اساس، رفتار سیاست خارجی عراق از الگوی زیر تبعیت می‌کند.



شکل شماره ۴- مدل راهبردی ژئوپلیتیکی عراق (نگارندگان)

منابع

فارسی

- ۱- اردستانی، حسین، (۱۳۸۷)، «جنگ عراق و ایران رویارویی استراتژی‌ها»، چاپ اول، تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد.
- ۲- اسدی، بیژن، (۱۳۸۱)، «خلیج فارس و مسائل آن»، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- بوتول، گاستون، (۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی جنگ»، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- بیگدلی ضیائی، (۱۳۸۷)، «حقوق بین‌الملل عمومی»، چاپ سی و دوم، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- ۵- پارسا پور، روزبه، (۱۳۸۹)، «اروند رود یادگاری از هزاران سال تمدن کهن ایران زمین»، کانون پژوهش‌های خلیج فارس.
- ۶- پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، برگرفته از <http://www.rasekhoon.net/Article/Show-22263.aspx>
- ۷- ثانی نژاد، غلامرضا، (۱۳۷۳)، «ریشه‌های تهاجم عراق به ایران»، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، چاپ اول، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- ۸- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۶۸)، «اهداف عراق از تجاوز به ایران»، مجموعه مقالات بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، چاپ اول، جلد دوم، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- ۹- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۹)، «نقش تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در اشغال عراق».
- ۱۰- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۹)، «نقش تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در اشغال کویت»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره سوم.
- ۱۱- جونز، وت، (۱۳۵۹)، «خداوندان اندیشه سیاسی (ماکیاول، بدن، هابز، لاک)»، علی رامین، جلد دوم انتشارات امیر کبیر.
- ۱۲- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۴)، «خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز»، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.

- ۱۳- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، چاپ اول، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۱۴- حسینی، حسین، (۱۳۸۷)، «بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق»، مجموعه مقالات تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: ریشه‌های تهاجم، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۵- حسینی، سید یعقوب، (۱۳۸۷)، «تاریخ نظامی جنگ تحمیلی»، جلد اول، «زمینه‌های بروز جنگ»، نشر آجا.
- ۱۶- رسو، ژان ژاک، (۱۳۸۹)، «قرارداد اجتماعی»، مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگاه.
- ۱۷- رشید، غلامعلی، (۱۳۸۸)، «تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق»، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۸- روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹.
- ۱۹- سجادی‌پور، سیدکاظم و امیری مقدم، رضا، (۱۳۸۸)، «نقش سازوکارهای حقوقی در حل و فصل منازعات ژئوپلیتیکی: مطالعه موردی: عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم.
- ۲۰- سریع‌القلم، محمود، (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: قابلیت و امکان تغییر»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول.
- ۲۱- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۳)، «بنیادهای علم سیاست»، چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی.
- ۲۲- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۷۹)، «ژئواستراتژی»، تهران، سمت.
- ۲۳- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۶)، «ژئوپلیتیک»، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۴- فاستر، مایکل، (۱۳۸۳)، «خدائندگان اندیشه سیاسی (افلاطون-ارسطو)»، ترجمه: جواد شیخ‌الاسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۵- منصوری، فیروز، (۱۳۷۶)، «استعمار بریتانیا و مسأله اروندرود»، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۲۶- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت، (۱۳۸۸)، «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه»، جلد اول، «پیشینه، مفاهیم و مسائل»، ترجمه: سیدمهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۷- کریمی‌پور، یداله، (۱۳۷۹)، «مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان»، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- ۲۸- گالی، وب، (۱۳۷۲)، «فیلسوفان جنگ و صلح»، ترجمه: محسن حکیمی، تهران، نشر مرکز.
- ۲۹- ماکیاول، نیکولا، (۱۳۸۴)، شهریار، محمود محمود، چاپ دوم، عطار، انتشارات عطار.
- ۳۰- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۶۱)، «نگاهی به جغرافیای سیاسی عراق و کویت»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پنجم، شماره ۴۱ و ۴۲.
- ۳۱- مرکز مطالعات و پژوهش‌های کویت، (۱۳۸۱)، «کویت از پیدایش تا بحران»، ترجمه: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی ایران و اسلام، چاپ اول، انتشارات قصیده‌سرا.
- ۳۲- منوچهر پارسا دوست، (۱۳۸۵)، «ما و عراق: از گذشته دور تا امروز»، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۳۳- ناصری، الف، (۱۳۵۶)، «تاریخ عقاید سیاسی»، تهران، انتشارات بی‌نا.

- ۳۴- هابز، توماس، (۱۳۸۴)، «لویاتان»، ترجمه: حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
- ۳۵- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۷۶)، «تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران»، چاپ اول، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۳۶- هونتزینگر، ژاک، (۱۳۶۸)، «درآمدی بر روابط بین‌الملل»، ترجمه: عباس آگاهی، تهران، مؤسسه آستان قدس.

انگلیسی

- 37- http://www.articles.cnn.com/2009-12-23/world/iraq.iran.border_1_algiers-treaty-hassan-kazemi-qomi-iranian-territory?_s=PM:WORLD.
- 38- <http://www.en.aswataliraq.info/?p=70201>.
- 39- <http://www.international.daralhayat.com/archivearticle/152330>.
- 40- <http://www.international.daralhayat.com/internationalarticle/146350>.
- 41- <http://www.aawsat.com/details.asp?section=4&issueno=11358&article=551022&search>.
- 42- <http://www.aljazeera.net/NR/exeres/1A19EB54-42AC-4DC5-BE04-ACB0FB9F30ED.htm>.
- 43- <http://www.al-sharq.com/articles/more.php?id=174512&date=2009-12-27>.
- 44- <http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=69720>.
- 45- <http://www.alforattv.net/index.php?show=news&action=article&id=28571>.
- 46- Jones, Greta, (1980), "*Social Darwinism and English Thought: organic theory of the state*". (Brighton, from :<http://www.politicsprofessor.com/politicaltheories/organic-theory-of-the-state.php>).
- 47- Omar A., Bakhshab, "*the Implication of Iraqi Invasion of Kuwait*", A Legal Study within the Framework of the UN Charter]. KAU: Econ. & Adm, Vol. 12, No. 2.
- 48- James A. Baker, III, and Lee H. Hamilton, (2006) , "*The Iraq Study Group Report Chairs*", Vintage books a division random house, inc. new York,
- 49- Vallecera, Virgil B, (2008), "*A Paper on Friedrich Ratzel's Organic State Theory*", August.
- 50- <http://www.zamannews.ir/view.aspx?ID=900508009>.
- 51- <http://www.mashregnews.ir/fa/news/63745>.
- 52- <http://www.asriran.com/fa/news/174309>.
- 53- Clausewitz, Carlvin, (1968), "*On War, England: Penguin Books*", J. J. Graham translation, 1908. Anatol Rapaport, editorIntroduction and notes (c) Anatol Rapaport, 1968.
- 54- <http://www.garoooh.com/forum/viewtopic.php?f=7&t=3505>.

- 55- Claudia Wright, (1980), "*Iraq: new power in the middle east*", Foreign affairs, setting national priorities:Washington D.C,P.319.
- 56- Taylor, P.J, (1994), "*Political Geograpy world economy, nation stat and locality*", Longman Scientific & Technical New Yourk.
- 57- O'Loughlin, J.V, (1994), "*Dictionary of geopolitics*", First publishd. Greenwood Publishing Group.